



## مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی

عنوان: چرا تاریخ؟

مؤلف: دکتر عزیز اسماعیل

منبع: مجله‌ی اسماعیلی آفریقا، ۱۹۷۰، صفحات ۲۰ تا ۲۷.

### خلاصه:

در این مقاله‌ی کوتاه اما مهم، نویسنده این پرسش را مطرح می‌کند که «تاریخ چیست؟» و اینکه چگونه مطالعه‌ی تاریخ در زمانی مشخص برای جامعه سودمند است؟ و برای مفهوم ساده‌ای که تاریخ «حقایق در گذشته» است، این مقاله نشان می‌دهد که چگونه تفسیر و خود مورخ در نوشتن تاریخ تأثیر گذار بوده است. مقاله با تلاشی برای نشان دادن ارزش تاریخ در زندگی یک جامعه به پایان می‌رسد و اینکه چگونه تاریخ، خود در پروراندن حسی از درک و هویت مساعدت می‌نماید.

نظر به اینکه این مقاله در یک مجله اسماعیلی منتشر شده است، در برخی قسمت‌ها، نویسنده به تجارب جوامع اسماعیلی می‌پردازد. به طور کل، وی مثال‌هایی از تاریخ اسلام را نقل می‌کند. اما این ارجاعات بیشتر توضیحی هستند تا تاریخ نوشته شده، و هدف این مقاله روشن ساختن اهمیت کل تاریخ و مسائل مورد توجه و مرتبط با تمامی مورخان بدین لحاظ است که به طور ساختاری در آثارشان انعکاس می‌یابد.

---

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

## فهرست مطالب

- مقدمه
- اجزاء تاریخ
- صدر اسلام: یک مثال
- فتوحات اسلامی: مثالی دیگر
- اثر زمان حال
- تصاویری از آینده
- کاربردهای تاریخ
- فراتر از حال
- تاریخ و هویت

## مقدمه

از میان تمامی موضوعاتی که در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شوند، رشته‌ی تاریخ کمتر از همه به خوبی درک شده است. هر ماه تعداد کثیری از کتاب‌های درسی تاریخی، مجله‌ها، و کتابچه‌ها روانه بازار می‌شوند. در عین حال میان روشنفکران و افراد عامی، موضوع تاریخ به ندرت با درکی عمیق شناخته شده است. این امر به خصوص از آن جهت مایه‌ی شگفتی است که مطالعه‌ی تاریخ قدمتی طولانی دارد. هر چند که خود این قدمت، آن را مستعد غفلت و سوء تفاهم می‌نماید. این نارسائی به طرق مختلف حاصل شده اند. برخی در بهترین حالت نسبت به مورخان حرفه‌ای از خود بردباری مختصری نشان می‌دهند. عده‌ای دیگر آنان را به عنوان افرادی با «حافظه‌ای خارق‌العاده» می‌ستایند. در این مقاله، من بر آنم که ماهیت و کاربرد تاریخ را مورد بحث قرار می‌دهم. بنابراین سعی خواهم کرد تا به دو پرسش کلیدی پاسخ بدهم: تاریخ چیست؟ و چگونه مطالعه‌ی تاریخ در بازه‌ی زمانی خاص، به گروهی از افراد سود می‌رساند؟ مثال‌های من عمدتاً برگرفته از تاریخ اسلام خواهند بود. در پایان، من چند توضیح کلی درباره‌ی اینکه به چه دلیل تصور می‌کنم مطالعه تاریخ جایگاهی ویژه در جوامع کنونی ما دارد، ارائه خواهم نمود. اجزای تاریخ.

نخست ماهیت تاریخ. تاریخ چیست؟ پاسخی که به این پرسش می‌دهیم نشان‌دهنده و متأثر از ارزشی است که برای تاریخ در زندگی خود قائل هستیم. این امر به نوبه‌ی خود گرایش‌های فلسفی را آشکار خواهند نمود که بر زندگی‌مان حاکم هستند. اکنون پاسخ عده‌ی کثیری اینگونه خواهد بود: تاریخ به مطالعه‌ی «حقایق» در باره‌ی گذشته» می‌پردازد. برای بسیاری این پاسخ به طور طبیعی و به سهولت کافی و بسنده است. اکنون بگذارید بی‌درنگ توضیح دهم که به عقیده‌ی من، و بسیاری دیگر که به این موضوع اندیشیده‌اند، این تعریف ناکافی و گمراه کننده است که واجد دو استدلال غلط است. این اشتباهات به ترتیب حاصل دو عبارت «حقایق» و «گذشته» است. هر دوی این مفاهیم گمراه کننده هستند، و به آن‌ها در جایشان خواهم پرداخت.

---

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

در آغاز بگذارید به مفهوم «حقایق» بپردازیم. برای فردی که من در ذهن خود تصور می‌کنم (کسی که برداشت وی از مفهوم تاریخ مورد انتقاد من است)، «حقایق» تاریخی به همان ترتیبی هستند که در گفتار بیان می‌شوند، که فلان کس چند سال سن دارد، و یا آقای فلانی، رئیس جمهور فلان کشور است، تنها با این اختلاف که حقایق تاریخی به گذشته تعلق دارند و نه زمان حال. چنین فردی حقایق را آنگونه که توسط مورخی انگلیسی به خوبی توصیف شده است همچون ماهی بر روی تخته‌ی ماهی‌فروش می‌بیند. همه‌ی حقایق آنجا هستند، منظم، قابل شمارش، و به وضوح قابل مشاهده و آماده برداشت هستند. اما حقایق تاریخی بسیار پیچیده‌تر هستند، وضوح کمتری دارند، و در بسیاری موارد، غیر مشخص هستند. بعلاوه، خوب است در نظر داشته باشیم که هرچه بیشتر کتاب تاریخی بخوانیم، بیشتر متوجه خواهیم شد که تمامی مورخان حقایق یکسانی را نقل نمی‌کنند. این به این دلیل نیست که یک مورخ کمتر یا بیشتر از دیگری می‌داند – هر چند این امر ممکن است گاهی اوقات صحیح باشد. اما مورخان مختلف اهمیت متفاوتی برای حقایق گوناگون قائل هستند. در نهایت، مورخ خود را مواجه با حجم وسیعی از حقایق می‌بیند. اگر هیچ دلیل دیگری هم درکار نباشد، به علت ایجاز، ناچار می‌شود تا برخی حقایق موجود را کنار بگذارد و یا از آن‌ها چشم‌پوشی کند. و با این عمل به طور ناگزیر، تفسیر جانبدارانه‌ی وی در این فرایند وارد می‌شود. نمونه‌ای جالب توجه در این زمینه را می‌توان در تاریخ [زندگی] پیامبر اسلام یافت.

چنان که همگان به خوبی آگاه هستند، دوره نخست مأموریت پیامبر تبلیغ در مکه بود. چرا دین نوین اسلام جایگزین آیین دیرین و قبیله‌ای بت پرستی و پرستش ستارگان گردید و یا بر آنها غالب شد؟ این پرسشی است که به ذهن هر مورخی که در پی درک ظهور و گسترش اسلام است خطور می‌نماید. برخی مورخان بر این عقیده هستند که ادیان پیشین جوابگوی نیازهای بادی‌نشینان قبیله‌ای نبوده است. آنان سخت در جستجوی یافتن دینی جدید بودند که الهام‌بخش بوده و به آنان روح معنویت بخشد، و اسلام به ایشان چنین هدف و مقصودی را ارائه می‌نمود. سایرین بر این عقیده هستند که ترویج و تقویت اسلام به واسطه‌ی روحیه‌ی غروری بوده است که در میان اعراب مرسوم است و در اشعار دوران پیش از اسلام نیز بر آن تأکید شده است، غروری که واکنشی در برابر حملات پی در پی بیگانگان بوده است. مونته‌گومری وات، یک اسلام‌شناس معاصر، بر جنبه‌ی دیگری از این موقعیت تأکید دارد. او اشاره می‌کند که پیش از اسلام در مکه، کار گروهی تاجر به دلیل تجارت کاروانی و مرکزیت داشتن این شهر رونق یافته بود. این تجار طبقه‌ای جدید و متمایز از بادی‌نشینان بودند. ولی تجارت می‌تواند به پرورش فردگرایی بیانجامد و وات بر این عقیده است که تجار مکه شیوه‌ای مستقل برای زندگی را برگزیده بودند که در تضاد کامل با اصول سنتی قبیله‌ای بود، سنتی که تأکید آن بر مساعدت متقابل و انسجام و همکاری مشترک است. می‌توان مشاهده نمود که چگونه این تفسیرهای متفاوت بر حقایق مختلفی تأکید می‌ورزند. مورخی که فکر می‌کند غالب شدن دینی جدید به علت نقصان در اشکال پیشین عبادت است، بر شواهد موجود در مورد عقاید پیش از اسلام تأکید دارد، به ویژه، بر هر نوع نارضایتی اندکی که در مورد این عقاید در میان اعراب بوده است. مورخی دیگر که بر اهمیت افزوده شدن آگاهی اعراب به عنوان مؤلفه‌ی اصلی در اسلام تأکید دارد، طبیعتاً بر روحیه‌ی غرور و افتخاری که در اشعار پیش از اسلام به نمایش درآمده‌اند، تأکید می‌ورزد. وی همچنین خاطر نشان می‌سازد که تاخت و تازهای متعددی توسط رومیان، ایرانیان، و آکسومیت‌ها [ملتی در

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

شمال غربی آفریقا که نقشی مهم در تجارت میان امپراطوری روم و هند باستان داشته است] در عربستان انجام می‌شده است. همچنین، این مورخ توجهی ویژه به قلمروهای مستقل اعراب، همچون انباط [اعرابی در دوران باستان با قلمروی با مرکزیت پترا یا مغرب امروزی] و پالمیرا یا تدمر [یکی از شهرهای قدیمی بسیار مهم در مرکز [سوریه](#)، این شهر به عنوان یک کاروانسرا برای افرادی که از صحرای سوریه عبور می‌کردند بسیار با اهمیت بوده است] و بر استقلال اعراب بسیار پیش‌تر از ظهور اسلام اشاره می‌کند، که در دوران اسلام به حد اعلی می‌رسد. از طرفی دیگر، می‌بینیم که مایه‌ی شگفتی مونتگومری وات است که مرحله‌ی آغازین رسالت حضرت محمد شامل دستور به اخلاق اجتماعی مانند صداقت در کسب و کار، وفای به عهد، روحیه‌ی دوستی و اخوات، که مکرراً در منابع ذکر شده‌اند، تاکید دارد. این حقیقت که به دفعات در آیات مکی قرآن به این ارزش‌ها اشاره شده است برای مونتگومری وات، حقیقتی تاریخی است که تلاش دارد نظریه‌ی خود را مبنی بر این که رشد تجارت فردی در مکه عاملی مهم در ظهور اسلام بوده است، تقویت کند. بنابر این، مورخان مختلف حقایق متنوعی را انتخاب و بر آن تاکید می‌نمایند، که نه به علت ظرفیت‌های مختلف برای جمع‌آوری حقایق، بلکه به دلیل تفاوت در تفسیرهایشان است.

فتوحات اسلامی: مثالی دیگر

عامل تفسیر در تمامی نوشته‌های تاریخی نقشی کلیدی دارد. این موضوع حائز اهمیت است که بایستی تاریخ را متشکل از حقایق و تفاسیر دانست (و همانگونه که گفته شد، حقایق با تفاسیر مختلف انتخاب می‌شوند). بگذارید نمونه‌ای مشهور را که تصویرگر عامل تفسیر است در نظر بگیریم. در حوزه‌ی اسلامی، پدیده‌ای خاص که اغلب مورخان را متحیر می‌سازد سرعت و میزان فتوحات اولیه است. در طول یک دهه پس از وفات حضرت محمد، اعرابی که سابق بر این راهزنانی بادیه نشین بودند، به سرزمین‌هایی که پیش از این تحت فرمانروایی رومیان و ایرانیان بود، حمله کردند. و به تدریج، فلسطین، سوریه، و مصر تحت فرمان آنان درآمد، و بخش‌هایی از عراق و پس از آن [خراسان](#) را از سلطه‌ی امپراطوری مقتدر ایران (ساسانیان) درآوردند. بنابر این آنها دو امپراطوری مقتدر را شکست دادند. چه چیزی امکان این پیروزی ناگهانی و غیر منتظره را فراهم ساخت؟ انگیزه‌ی این گسترش شگفت‌انگیز چه بوده است؟ چه چیز این اقدام خطیر را در این مقیاس وسیع فراهم ساخته است؟

مورخان پاسخ‌های مختلفی ارائه می‌دهند. یک تفسیر تقریباً منحصر به عامل دین است. در این تفسیر استدلال می‌شود که تنها ویژگی برجسته فتوحات، انگیزه‌های دینی است. قرآن به مؤمنان اصرار می‌ورزد تا در جهت ترویج آن تلاش کنند، و اعراب این فرمان را اطاعت نمودند. مورخان دیگر چنین استدلال کردند که فتوحات بیشتر، یک گسترش [قلمرو] از روی عادت بوده است. آنان اشاره دارند که بادیه نشینان اغلب در جستجوی یافتن غنائم جنگی، تاخت و تاز می‌کردند. فتوحات اسلامی، با همین عقیده صورت گرفته‌اند، اما در مقیاسی وسیع‌تر و زیر لوای عقیده‌ای جدید. با این حال، سایر مورخان بر موضوع آشفته‌ی اقتصادی و اجتماعی در عربستان که در صدد کشورگشایی بودند، تاکید دارند، به طوریکه از دیدگاه آنان، منجر به روانه شدن مسلمانان از این شبه جزیره به سرزمین‌هایی گردید که پیشتر توسط قدرت‌هایی بزرگ تصرف شده بودند. سایر توضیحات تا حدودی جامع‌ترند. مورخان خاطر نشان می‌کنند که دو قدرت بزرگی که سرزمین‌هایی را در تصرف خود داشتند و توسط اعراب شکست خوردند، امپراطوری روم (بیزانس)

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

در غرب و حکومت ایران (ساسانیان) در شرق بودند، که بدلیل جنگ‌های طولانی مدت تضعیف شده بودند؛ به طوریکه مالیات فراوان و اذیت و آزارهای مذهبی، افراد تحت سلطه را بر علیه ایشان شورانده بود؛ و اعراب که از انرژی دین میبشاندن نیرو گرفته بودند، پیغام اسلام را به گوش آنان رساندند، که خود ضربه‌ای مهلک به قدرتمندانی بود که از قبل تضعیف شده بودند. بنابراین، تفسیرهای مختلفی برای پیامدهای حیاتی یک واقعه وجود دارد. تاریخ تماماً تمرینی از تفسیر فعالیت‌های بشری است. هرچند که عامل تفسیر چیزی فراتر و وابسته به عقاید فردی است. یک مورخ حرفه‌ای داور و نظر خود را در خلاء و صرفاً بر مبنای فکر آنی بنا نمی‌نهد. این نتایج دربرگیرنده استدلال‌های است که تدریجاً شکل می‌گیرند. مورخ، همچون یک قاضی در موارد قانونی، بایستی شواهد موجود را به ترتیب مورد بررسی قرار دهد تا به نتیجه‌ای دست یابد، و این عمل نیازمند دقت فراوان و نکته‌بینی غریزی است. معیار صحت در مسائل تاریخی به مقداری که می‌توان به حقایق دسترسی پیدا کرد، و شیوه‌ای که می‌توان از آن‌ها بهره برد تا نظریات مورخ تأیید شوند، بستگی دارد و حتی در این شرایط نیز وجود بیش از یک تفسیر محتمل است، و تحقیق و کنکاش تاریخی و تصمیم‌گیری، یک فرآیند تمام ناشدنی است.

#### اثر زمان حال

اکنون به فرضیه دوم می‌رسیم که در ابتدا از آن به عنوان استدلالی غلط نام بردم- این استدلال که تنها گذشته است که موضوع مطالعه‌ی تاریخ است. روشن است که اگر جنبه‌ی مهمی از تاریخ شامل تفسیر باشد، احتمال آن می‌رود که تحت تأثیر شرایط غالب دوره‌ای که مورخ در آن می‌زیسته است، قرار گیرد. مورخ تنها محصول زمان خویش است؛ قضاوت وی مانند هر فرد دیگری، تحت تأثیر شرایط اجتماعی، فرضیه‌های عقلانی و جستجوی اخلاقی زمان خویش است. پیش‌باورها درباره‌ی آنچه که برای ما مهم است و نه آنچه که درباره‌ی ضرورت نسبی فرد و جامعه است - این چنین عقایدی- همگی بر چگونگی نوشته‌های مورخ اثر گذاشته و آن را مخدوش می‌نماید. مجدداً، در صورتی که مورخ صادق باشد و از دیدگاه عقلانی نسبت به رسالتش آگاه باشد، تا حدی که برای بشر امکان داشته باشد می‌کوشد تا از هر گونه جانبداری غیر ضروری که ممکن است در نوشته‌هایش یافت شوند، بپرهیزد. با این وجود، همانگونه که تصور ما از زمان حال منوط به میراث گذشته‌مان است، بنابراین درک ما از گذشته [نیز] توسط تجارب زمان حال ما شکل می‌گیرند. با مراجعه‌ی مجدد به تاریخ اسلام، جالب است که نظریات مورخ بزرگ اسلام، ابن خلدون، که در قرن ۱۴ میلادی می‌زیسته را در نظر بگیریم. او بر این اعتقاد بود که تمدن‌ها از همبستگی گروه‌ها حاصل می‌شوند. اما زمانی که تمدن شکل گرفت، به ناچار محکوم به زوال است. بنابراین، او به مفهوم چرخه‌ای تاریخ اعتقاد داشت. جالب است که در نظر داشته باشیم در دوران ابن خلدون، انسجام و یکپارچگی حکومت اسلام پیشتر از هم پاشیده شده بود. از قرن ۹ میلادی به بعد، حکمرانی‌هایی مستقل در بخش‌های مختلف حکومت‌های اسلامی شکل گرفته بودند، که منجر به تضعیف حکومت مرکزی در بغداد شده بود. حملات مغولان در قرن ۱۳ میلادی، زخمی عمیق در ضمیر مسلمانان به جا گذاشت. ابن خلدون شکست سلطان مملوک فرج را که وی در خدمتش بود به دست ترکان شاهد بوده است. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که تئوری چرخه‌ی تاریخ به علت خاطره و تجربه‌ی سقوط و شکست بوده است که مسلمانان آن زمان از آن به خوبی آگاهی داشته‌اند.

---

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

با مراجعه به تاریخ اروپا در دوران معاصر، تاثیر مشابهی از عصری که مورخ در آن زندگی می‌کرده است، در نوشته‌های وی مشهود است. تا چند وقت اخیر، انگلستان مرکز توجه مورخان انگلیسی بود. در وسیع‌ترین گستره‌ی آن، دغدغه‌ی اصلی مورخان انگلیسی تنها به اروپا معطوف می‌شد. سایر نقاط جهان، به ویژه آسیا و آفریقا، تنها در شرايطی انعکاس می‌یافتند که تاثیری بر اروپا داشته و یا با حوادث آن مرتبط باشند. این امر طبیعتاً نتیجه دوران امپریالیسم بود. در دوران گسترش مستعمرات، اروپا خود را مستعد می‌دید تا برتری جهانی یابد، و بنابراین تصور کلی بر این بود که سایر نقاط جهان در نوع خود تاریخی متمایز ندارند. بنابراین، مورخان انگلیسی به این کشورها به دیده متعلقات اروپا می‌نگریستند. هر چند با از هم پاشیدن این امپراطوری، علاقه به تاریخ آسیا و آفریقا، به عنوان مردمانی با پیشینه‌ی خود که حق حاکمیتی مشابه اروپائیان داشتند، شروع به فزونی یافت. بنابراین، امروزه تعداد کثیری از مورخان را مشاهده می‌کنیم که تاریخ جهان آنان، در صورت صداقت، تابع نظریات غالب در دوران امپراطوری نیست. همچنین در نوع خود توجهی جدی به تاریخ افراد غیر اروپایی رو به فزونی است.

## تصاویری از آینده

این‌ها تنها دو مثال هستند که نشان می‌دهند چگونه نوشتن تاریخ با شرایط غالب در هر عصر پیوند دارد. بنابراین هر نوشته‌ی تاریخی به همان اندازه که در مورد دوره‌ی تاریخی مورد بحث است، پیرامون دوران مورخ نیز با ما سخن می‌گوید. اما این تمام موضوع نیست. اغلب انسان‌ها آمال و آرزوهایی دارند که آن را طرح ریزی می‌کنند، و امیدوارند تا در آینده به آن‌ها دست یابند. تصور از آینده به نظر ویژگی ضروری ذهن آدمی است، و مورخ، به اندازه‌ی سایرین، در مورد اینکه آینده چگونه خواهد بود، نظرات خود را دارد. مفهوم آنچه «باید» و آنچه «شاید» باشد، تعیین کننده‌ی درک آنان از موضوع است. بنابراین، تجربه‌ی حال با ظرافتی خاص توسط انتظارات ما در قبال آینده تحت تاثیر قرار می‌گیرد. شاید ابن خلدون این تفکر که انسجام گروه‌ها فراهم کننده‌ی انگیزه‌ای است که منجر به رشد و پیشرفت تمدن‌ها می‌گردد را به دلیل رو به رو شدن با تیمور لنگ، جنگجویی که قبیله‌ای از جهت سازمان‌یافتگی و اتحاد مشهور را رهبری می‌کرد، به دست آورده است. گذشته، حال و آینده مقوله‌هایی سیال در زمان هستند، و هیچ جستجوی دیگر بشر همچون نوشتن تاریخ این موضوع را روشن نمی‌سازد.

## کاربرد تاریخ

اکنون به پرسش دوم باز می‌گردیم که در آغاز این مقاله مطرح که ارزش مطالعه‌ی تاریخ چیست. کاربرد مطالعه‌ی تاریخ برای یک جامعه و یا ملت چیست؟ آیا تنها روش و عملی است برای افرادی که کار دیگری برای انجام دادن ندارند؟ آیا به عبارت دیگر یک تفنن عقلانی است، یا مزایایی برای اندیشمندان و خوانندگان دارد؟

در بالا تلاش شد تا نشان داده شود که مطالعه‌ی تاریخ به نوبه خود نیازمند انضباط عقلانی خاص خود است. و این خود یکی از ارزش‌های آن است. همچون سایر علوم انسانی، تخیل را ژرف‌تر، و همچون سایر علوم، عقل و خرد را هشیارتر می‌سازد. به خصوص، تاریخ به شیوه‌های مختلف به عنوان راهنمایی برای اعمال

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

کنونی و آینده به کار گرفته می‌شود. با مشاهده‌ی اینکه چگونه بشر در گذشته منابع موجود در اطراف خود، و توان موجود در ضمیر خود را برای تسلط یافتن بر چالش‌ها و ایجاد تمدن‌ها به خدمت گرفته‌اند، می‌توانیم نشانه‌هایی سودمند جهت ادراک و فهم مشکلات جاری و یافتن بینشی برای آینده به دست آوریم. یک نقش حیاتی که تاریخ بازی می‌کند از این حقیقت مشتق شده است که زمان حال در صورت جداسازی از گذشته، هیچ‌گاه قابل درک نیست. این حقیقت به سادگی در مورد هویت شخصی قابل نمایش است. به سختی می‌توان فردی را در نظر گرفت که جدا از گذشته باشد. در هر زمانی از زندگی فرد، روش و رفتار وی، ارزش‌ها و عقاید وی، تجارب و تأثیراتی را در طول زندگی‌اش شکل می‌دهند. همگی ما در تمامی لحظات در فرایند «شدن» قرار داریم، هر مرحله از زندگی ما در مرحله‌ی بعدی انعکاس می‌یابد. بنابراین، هر فرد مستقل، گذشته خود را دارد، که به عبارتی در درون او قرار گرفته است. این امر همچنین برای گروه‌های مردمی صدق می‌کند. جامعه یا ملت محصول نیروهایی است که در وهله‌ی اول آن‌ها را ایجاد، و در طول مسیر آن‌ها را شکل داده تا به ما این امکان را بدهد که درک کنیم چگونه دین، نهادها و ملت‌ها که خود را جزئی از آن‌ها می‌یابیم یکی از توابع اصلی تاریخ هستند.

#### فراتر از حال

به واسطه افزودن شدن آگاهی فرد در طول زمان، سیر تاریخ بر توانایی فرد جهت برتری یافتن بر زمان حال نزدیک می‌افزاید. و درک کردن و احساس گذشته با تمام وجود، و غلبه بر ناامیدی‌ها و جریانات زودگذر کنونی، تجربه‌ای متعالی است. درکی واضح از سنت، از جریان پیوسته‌ی تاریخی که در آن انسان‌هایی همچون انسان‌های معاصر شخص به تقلا و کوششی پرداخته‌اند تا مفهوم و هدفی را بیابد، برای افزودن آگاهی فرد در ورای بازه‌ی محدود زمان حال ضروری است. تاریخ شراکتی را با مرگان می‌پروراند و مردگان به واسطه‌ی تاریخ حیات می‌یابند. همچنین به عنوان روشی درمانی برای درگیری‌های غیرضروری با زمان حال است و این می‌تواند شیوه‌ای برای رهایی از محدود بودن بیش از حد در زمان باشد. در اسماعیلیه، این حقیقت وجود دارد که **امام** به سنتی که به طور قابل ملاحظه‌ای به گذشته باز می‌گردد، عینیت می‌بخشد و پدیدآورنده‌ی چارچوبی برای دقیقاً چنین تجربه‌ای است. امام با قراردادن گذشته در خود، به اصطلاح به تاریخ جسمیت می‌بخشد. از این نظر، تاریخ تنها «آموخته» نمی‌شود؛ بلکه «تجربه» می‌گردد، و باعث اعتلای تجلی عقلانی و اخلاقی می‌شود.

#### تاریخ و هویت

نهایتاً تاریخ نقشی منحصر به فرد در اعتلاء و تقویت درکی از هویت ایفا می‌کند. برای فردی که شخصیتی قابل تشخیص دارد، این هویت بایستی «مدام» باشد. شخصیت فرد می‌تواند تغییر کند، اما بایستی در چارچوب مشخصی صورت گیرد که حدودی پایدارند. اولاً، حافظه در هویت و شخصیت انسان ضروری است. فردی که ناگهان از گذشته گسسته می‌شود، دچار درهم شکستگی می‌شود. به همین منوال، یک جامعه گذشته‌ی خود را به عنوان یک هسته مرکزی و مهم برای حیات پایدار خود نیاز دارد. اهمیت تغییرات و اصلاحات تنها در رابطه با تداوم فرض می‌شوند. به این علت، تداوم ضروری است، و از این نظر تاریخ خود عبارت است از تشریح خودآگاهانه‌ی این درک. عامل تداوم و استمرار به ویژه در طول لحظات گذار

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

بسیار حائز اهمیت است. در دوران تغییرات ناگهانی یا بنیادین، جستجوی گذشته به یک ضرورتی معنوی حیاتی تبدیل می‌شود. این جستجو به افرادی که مشمول این تغییرات هستند هویتی می‌بخشد که آن‌ها را قادر می‌سازد تا در بطن تغییرات باثبات باشند. جوامع اسماعیلی در شرق آفریقا یک دوره‌ی تغییرات ناگهانی را پشت سر گذاشته‌اند. از بین رفتن سلطه‌ی استعمار و ظهور استقلال در این کشورها مستلزم سازگاری اساسی از طرف گروه‌های قومی و مذهبی از جمله اسماعیلیان بود. برای غلبه بر این چالش و اگر بخواهیم آنچه معمولاً «یکپارچه‌سازی» می‌نامیم حاصل شود، حس هویت شخصی ما به غایت مهم است. این امر در ظاهر متناقض به نظر می‌آید. مگر نه اینکه برای یکپارچه شدن باید خود خویش را فراموش کرد؟ پاسخ من این است که این امر هیچ‌گاه امکان‌پذیر نیست. تعاملات خلاقانه نیازمند آن است که افراد مورد بحث، هویت خود را کاملاً درک کنند. کسانی که عاشق یکدیگر هستند، و یا همکاری و مشارکتی در اشکال مختلف نشان می‌دهند، هر کدام، به نوع خود افرادی مستقل هستند. با خویش‌شناسی از طریق درک گذشته‌ی تاریخی فرد، توانایی‌های مورد نیاز برای تطبیق با آینده و اصلاحات بروز می‌یابند. برای [اسماعیلیان](#)، نیاز به چنین آزادی و تجربه‌ی خلاقانه‌ای هیچ‌گاه مانند زمان حال این چنین فراوان نبوده است. در راستای برآورده‌سازی چنین نیازی، تاریخ‌نقشی ارزشمند برای ایفا دارد.

---

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.